

به گزارش روابط عمومی دفتر امام جمعه لاریجان:
برگزاری نماز جمعه شهر رینه. 20 تیر ماه سال 1404

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين أحمدّه و أشكره و
أستعينه و أستغفره و أتوكل عليه و أصلي و أسلم على حبيبه و نجيبه و
خيرته في خلقه حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته
سيّدنا و نبينا و حبيب قلوبنا أبي القاسم المصطفى محمّد و على آله
الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتخبين و من تبعهم باحسان الى يوم
الدين.

قال الله العظيم في كتابه الكريم:

« إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا

بَأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. » حُجرات/15

ترجمه: " مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند

آنگاه [در حَقَانِیت آنچه به آن ایمان آورده اند] شک ننموده و با اموال و

جانهایشان در راه خدا جهاد کرده اند اینان [در گفتار و کردار] اهل

صدق و راستی اند."

"أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ فَإِنَّهَا خَيْرُ مَا تَوَاصَى الْعِبَادُ بِهِ وَ

خَيْرُ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ" خودم و همه شما بندگان خدا را به رعایت

تقوای الهی و نظم در امور سفارش میکنم که سفارشی والاتر از این

مهم در عالم هستی وجود ندارد. مهمتر از صبر، شکر، علم، حلم و فقه

این است که: از هر گناهی که به شما رو میکند روی برگردانید. «الَّذِي
إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» در آینده همگی شما در پیشگاه خدا جمع خواهید شد و
آنجا به ریز و درشت پرونده شما رسیدگی میکنند. پس بندگان خدا
اتقوا الله! اگر به محتوای سوره مبارکه عصر دقت کنیم بما میگوید:
ایمان بتنهایی برای سعادت انسان کافی نیست. به عمر، به زمان، به
ایام بعثت پیغمبر (ص) و بعصر ظهور امام دوازدهم قسم تمام مردم در
حال ضرر کردن هستند! إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ. تمام مرد و زن عالم
در حال ضرر دادن هستند إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا مگر کسانی که پیوند مستقیم
و ریشه دار با ذات اقدس احدیت دارند ولی نه پیوند تنها و عملوا
الصالحات. آن عملی را که امر و نهی خدا بر سر آن سایه داشته باشد

میپذیرد لذا فقها حکم میکنند روزه، نماز و حج با ریا باطل است. برای همین شرطِ عمل این است که همیشه باید سه جنبه آن را بدرقه کند: ایمان فرد، امرِ الهی و خلوصِ عمل. حقّ خداوند بر همه حقوق مقدم است امام صادق و امام رضا علیهما السلام میفرمایند: رعایت حقوق پدر و مادر چه مؤمن باشند یا مشرک واجب است مگر در جایی که حق خدا پایمال شود در آنجا پدر و مادر از ارزش پدر و مادری می افتند چون حیثیت يك مخلوق با ذاتِ اقدس خالق قابل مقایسه نیست! جنبه دومی که باید عمل را در قبولی بدرقه کند این است که عمل باید به امرِ پروردگار باشد شما اگر ده میلیون مرتبه نماز صبح را چهار رکعت بخوانید از شما قبول نمیکنند قیافه بدعت را هم به شما میدهند که حرام

و گناه کبیره است. سومین جنبه ای که باید عمل را بدرقه کند خالص بودن عمل است **أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ**. زمر/3 آگاه باشید! که دین خالص ویژه خداست. **أَمِيرِ مُؤْمِنَانِ (ع)** درباره عبرت گرفتن میفرماید:

«مَا أَكْثَرَ الْعِبَرَ وَ أَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ.» چقدر من در حال تعجب هستم که هیچ کلاسی برای تعلیم گرفتن و آموختن مانند کلاس روزگار نیست ولی این کلاس شاگرد خیلی کمی دارد! روایت مهمی را نقل میکنند که جبرئیل بمحضر مقدس نبی **عَالِقِدِر (ص)** نازل شد وقتی آیه ای را که آورده بود تلاوت کرد نبی بزرگ که در تواضع و اخلاق بی نمونه بود به جبرئیل **(ع)** فرمود: برای عبرت گرفتن از عجایی که از زمان خلقت خود تا الان در عالم مشاهده کردی برای من تعریف کن. گفت:

آقا! قرار بود من بر یکی از انبیا نازل شوم در هنگام نازل شدن در منطقه محدودی که جزیره مانند بود به دریای آرامی برخورد کردم هنگامیکه میرفتم آن پیغمبر را ملاقات کنم کسی را در این جزیره دیدم که فعالیت جسمی داشت. از نظر عبادت وقتی او را نظر کردم دیدم خیلی دقیق بود در دیوان عمر او که نظر کردم دیدم خدای توانا پانصد سال عمر به او عنایت کرده است من وقتی به او برخورد کردم در سجده بود و أشك میریخت و میگفت: إلهی! تمام تقاضای من این است که ساعت جان دادن مرا در حال سجده بر خودت قرار بدهی إلهی! حال عبادت مرا تا شب مرگ تداوم بدهی و روز مرا در قیامت در حال سجده محشور کنی. یا رسول الله! من به دیوان قبولی نظریات بندگان

نگاه کردم دیدم خدا همه برنامه هایش را پذیرفته است. جبرئیل (ع)
بمنزله وزیر دربارِ الهی و امینِ وحی پروردگار است و اسرارِ خدا
پیش او میباشد. گفت: یا رسول الله! این برنامه ها خیلی برای من جالب
بود و دوست داشتم صحنه قیامت او را هم ببینم یا رسول الله! من حال
این آقا را در صحنه های مُهَيِّجِ دادگاههای قیامت مشاهده کردم نوبتِ
رسیدگی به اعمال رسید. قیامت پاکترین دادگاههای جهان خلقت است
رشوه نمیگیرد! اعمال میآیند و بنفع و یا ضررِ افراد شهادت میدهند
عابد پانصد ساله را وارد این دادگاه میکنند انسانیت و فضیلتِ عابد بنفع
او عرض میکنند: خدایا! خیلی پاك هستی به مقتضای رحمت این بنده
را وارد بهشت نما خطاب به آن عابد میرسد که: «أَدْخِلُوا عَبْدِي الْجَنَّةَ

بِرَحْمَتِي» رحمت من إقتضا میکند که تو را به بهشت ببرم هر چند سخن از ارزش عمل در بهشت است ولی نسبت به این بنده سنجش اعمال لازم نیست و او را به رحمت من وارد بهشت کنید اما این عابد سرش را بالا میکند و میگوید: خدایا! من بهشت رحمتت را نمیخواهم و «ادخلنی جنتک بعبادتک» مرا بخاطر عبادتم در بهشتت داخل نما! چون من پانصد سال تو را عبادت کردم و حالا میخواهی اینهمه زحمات و عبادات مرا بحساب نیاوری؟! خطاب رسید: قُضَّاتِ دادگاه! او را از بهشت برگردانید قُضَّاتِ هم او را از بهشت برگردانند. در دادگاه خطاب میرسد: همه نعمتهایی که به او دادم لحاظ کنید و همه عبادتهایی را هم که او برای من کرده حساب کنید قُضَّاتِ هم اولین نعمت داده

شده به او را که نعمت چشم و برای دیدن اشیا است مقایسه میکنند وقتی
اندازه عظمت نعمت چشم معلوم میشود در دادگاه عدل الهی می بینند
مقدار عبادت پانصد ساله او در مقایسه با نعمت چشم به تنهایی
کم آورد و این نعمت نسبت به عبادت کذایی برتری دارد. حالا دیگر
نعمتها مثل آفتاب، ماه، آب، سلامتی، گوش، زبان، بینی، مغز، دست،
زیبایی، پوست، عُمر، هوا و نباتات بماند و فعلاً پانصد سال عبادت این
فرد در برابر يك نعمت چشم کم آورده است عرض میکنند: خدایا! چشم
را به تنهایی حساب کردیم و این نعمت نسبت به عبادت این فرد برنده
شد. خطاب میرسد: پس او را به جهنم ببرید چون بدهکار است و
چیزی ندارد که با آن بدهیش را تسویه کند و اینگونه عبادات پانصد

سأله این فرد مؤمن در برابر يك نعمت چشم بر باد رفت حالا او چه
منتی بر خدا دارد که به پرودگار عالم بگوید: خدایا! چون من در يك
دوره بدی بتو مؤمن شدم عنایت بیشتری بمن بنما! با نعمتهای
بیشماری که به او داده چه منتی بر خدا خواهد داشت؟ عابد را بطرف
جهنم میبرند و او شروع به گریه کردن میکند. خطاب میرسد: بنده من!
چرا گریه میکنی؟ عرض میکند خدایا! من يك عبادت دیگر داشتم که
قُضَات آنرا حساب نکردند. خطاب میرسد آن عبادت چیست؟ میگوید:
خدایا! امید بفضل تو و آنها آنرا حساب نکردند من گمان نمیکردم تو
مرا به جهنم ببری من بد کردم مرا به بهشت بر گردانید خطاب میرسد:
«ادْخُلْ جَنَّتِي بِرَحْمَتِي» پس بواسطه رحمت من به بهشت داخل شو.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا. مَوْمِنٌ وَاقِعِي
کسی است که اول از درون با خدا و با پیغمبر (ص) رابطه داشته باشد
ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا و اگر او را بخوابانند و گوشتش را باقیچی جدا کنند شك
در پیغمبر (ص) نکند و گر نه الان کسی در خانه اش با امکانات رفاهی
بگوید: إلهی! صد هزار مرتبه شکر خیلی مهم نیست! شاکر آن مردی
است که در بارگاه ابن زیاد وقتی به او گفت: از علی دست بردار
جواب داد: دست بر نمیدارم ابن زیاد به او گفت: تمام مَفصلهای دست
و پایت را قطع میکنم جواب داد: قطع کن و مأموران ابن زیاد شروع
به قطع کردن مَفصلهای دست و پای او کردند ابن زیاد باز به او گفت:
از علی دست بردار جواب داد: هر کاری میخواهی بکن. وجود من

یعنی علی و او کسی جز میثم تمار نبود! مؤمن واقعی کسی است که عقیده به حق و رسولش دارد و اگر قطعه قطعه بشود شکی در این عقیده بوجود نمی آید. وَ جَاهِدُوا یعنی آنان باید عقیده را تبدیل به انرژی بکنند. کار بُرد این جمله: «برو قلبت را خوب کن» فقط برای دلخوشی دادن جنایتکاران به خود است! خوب شدن قلب تنها به انعکاس شعاع نورِ الهی است. یکی از دانشمندانِ بزرگ شاگردش را در خواب دید پرسید: با تو چه کردند؟ گفت: وضعِ حالَم از این زنجیر آتشی که بر گردنم هست روشن است و این هم مسیری است که مرا در آن بطرف جهنم میکشند. میدانی چرا؟ برای اینکه من سالی يك مرتبه شراب میخوردم آن شراب داخل خونم شد و خونم هم نجس شد و

خون نجس با شرابی که مورد رضایت خدا نبود در قلبم رفت خدا هم
که دیگر در این خانه نجس وارد نشد آن خدای واقعی در قلب من نبود
مرا بسمت جهنم میبرند و إلا اگر خدای واقعی در دل باشد چنین دلی
را در آتش نمیسوزاند. در جمله آخر آیه میفرماید مردمی که با خداوند
و پیغمبر (ص) پیوند بدون تردید دارند و تا شب مرگ هم انرژیها را
بخدمت آن عقیده در می آورند و مالشان را هم در راه او مصرف
میکنند یا رسول الله! اگر چنین کسانی بتو گفتند ما دین داریم اُولَئِكَ هُمُ
الصَّادِقُونَ اینها راستگو هستند اما اگر آنها این علامات را نداشتند
دروغ میگویند و دین ندارند. انتظار فرج یعنی عقیده داشتن بخدا، انبیا
و ائمه و به مرحله عمل در آوردن آن عقیده تا نتیجه حاصل شود نه

بمعنای اینکه دستت را بلند کنی و بگویی: «عجل علی ظهورك یا صاحب الزمان.» ما انتظار داریم حضرت بیاید و حضرت هم وقتی آمد از تو انتظار دارد که اخلاق و زندگی ات مورد رضایتش باشد.

کسی که میگوید: من منتظر امام زمان هستم گره های زیادی را باید تا رسیدن امام باز بکند و إِلَّا انتظار فرج تنها به آرزو و خیال باشد دروغ است چون رسول خدا (ص) میگوید: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي انْتِظَارُ الْفَرَجِ» عملی در شیعیان ما والاتر از انتظار گشایش کار نیست.

تیرهای چوبی سقف مغازه ای شکسته بود و صاحبش برای ترمیم آن سقف پول نداشت و برای تأمین پولش خرما فروشی میکرد. علی (ع) هر وقت خسته میشد در این مغازه میآمد و میگفت: میثم جان! آمدم تو

را ملاقات کنم شما چه مردانِ عالیقدری بودید که علی(ع) وقتی شما را میدید غم و غصه اش برطرف میشد. قبیله ای در زمان علی(ع) به نام قبیلهٔ بنی شاکر و بنو شبام دو تیره از قبیله همدان در جنگ صفین بودند عدد اینها به هزار نفر نمیرسید بر روی منبر بمردم فرمود: واللّٰه قسم! اگر عدد قبیله بنی شاکر به هزار نفر میرسید تا روز قیامت آنطوری که باید خدا در زمین عبادت بشود عبادت میشد یعنی اینقدر با ارزش بودند حالا میلیونها نفر جمعیت شاید صبح حاضر نیستند بلند شوند و بگویند: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ مردم از خدا بدشان میآید و اگر بدشان نمیآید آثارِ اعمالِ آنها این نبود!

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و العاقبة لاهل التقوى و
اليقين والصلوة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين حبيب إله
العالمين أبى القاسم محمد، صلى الله عليه و آله و سلم وعلى آله الأطيبين
الأطهرين المنتجبين. اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ
رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ آيَتِكَ الْكُبْرَى وَ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ وَ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ
الطَّاهِرِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَ إِمَامِي
الْهُدَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيَّ بَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ صَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ
الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ.

دعای فرج..

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيْزًا. اَللّٰهُمَّ اَظْهَرْ بِهٖ دِيْنَكَ وَ

سُنَّةَ رَسُوْلِكَ حَتّٰى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً اَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ..

اوصيكم يا عبادالله و نفسي بتقوي الله و اخوفكم من عقابه.

با درود و سلام بی پایان به روح مطهر سرور و سالار شهیدان رهبر

آزادگان جهان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) و یاران با وفایش و نیز

معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران و دو فرزند گرانقدرش جمیع مؤمنین

و مؤمنات، علما، صلحا، شهدای انقلاب، شهیدان 8 سال دفاع مقدس،

شهدای گمنام، شهدای مدافع حرم و وطن و سلامتو امنیت مخصوصاً

سرداران گرانقدر و دانشمندان هسته ای و دیگر شهدای اخیر

تروریستی در کشور بوسیله رژیم رزل صهیونی 417 شهید خونین بال
بخش لاریجان و با آرزوی طول عمر با عزت همراه با صحت و
سلامتی برای مقام معظم رهبری در این خطبه دوم خودم و همه شما
عزیزان را توصیه میکنم به تقوای الهی و دوری از محرمات.

نکات این هفته نماز جمعه 20 تیر ماه سال 1404 را بمحضر شما
نمازگزاران عزیز جمعه لاریجان عرضه میدارم.

نکته اول:

رسانه های ضد انقلاب بدنبال ساخت یک تصویر غلط از رهبر انقلاب
هستند و آن این است که رهبری در پناهگاه است و برای حفاظت از جان
خود مجبور شده یک زندگی پنهانی و در گوشه و کنج اختیار کند!

نیروهای مسلح به پشتوانه مدیریت رهبری بود که توانستند در کمتر از ۲۴ ساعت آرایش تهاجمی خود را تبدیل به عملیات نظامی کنند و این در چارچوبهای نظامی یک اقدام بسیار مهم است. جایگزینی فرماندهان سطح بالا نیز امر ساده ای نیست. این جایگزینی یک موضوع کاملاً تخصصی و در شرایط جنگی کار بسیار دشوارتر است تعیین این فرماندهان به نحوی که کار به بهترین نحو خود پیش بروند اقدام بسیار ارزشمندی است. عملاً رهبری تعیین کننده سطح، نوع، میزان، گستردگی و بالا و پایین بودن کیفیت میدان بودند و این یک کار شبانه روزی و در یک سطح حرفه ای بوده است. به تعبیر دقیقتر مغز

فرماندهی جنگ در اختیار رهبرِ انقلاب بود و ایشان مانند یک ژنرال زُبده نظامی عهده دار مدیریت کلان این جنگ بودند.

نکته دوم:

سرمایه اجتماعی که شاملِ اعتمادِ عمومی، همبستگی ملی و مشارکت مردم در اداره امور است یکی از مهمترین داراییهای هر کشوری محسوب میشود. در شرایط کنونی با وجود چالشهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، حفظ این سرمایه بیش از پیش ضروری است. گلایه های گسترده از عملکرد برخی مسئولان اگر چه ممکن است ریشه در واقعیت داشته باشد نباید به تخریب این سرمایه منجر شود.

شرایط ایجاب میکند که ایران با هوشیاری کامل خود را برای سناریوهای مختلف آماده کند.

نکته سوم:

پوشش خبری محدود، حذف اطلاعات میدانی، آمارهای ساختگی و نمایش ظاهری آرامش در بورس و خیابانها بخشی از عملیات روانی گسترده ای بود که با هدف «حفظ اعتبار» تل آویو اجرا شد. با اینحال داده ها فریب نمیخورند و سانسورها هم نتوانست خسارتها را پنهان کند. با اینکه رژیم صهیونیستی تلاش دارد با ظاهر سازی و تبلیغات روانی وضعیت را عادی نشان دهد اما در واقعیت اقتصاد آن با یکی از بزرگترین شوک های مالی، صنعتی و امنیتی تاریخ خود روبه روست.

نکته چهارم:

دشمنان در محاسبات خود خطایی بزرگ از برآورد وضعیت ایران داشتند. دشمنان ایران با تکیه بر تحریمها فشارهای اقتصادی و تبلیغات رسانه ای تصور میکردند که مردم ایران پس از تجاوز نظامی با آنها همراهی خواهند کرد این یک خطای محاسباتی بزرگ بود! اگر چه دشمن در برخی نقاط مانند لیبی و سودان به اهداف خود دست یافته اما ایران با تاریخ و تمدن خود پاسخی قاطع به آنان خواهد داد. این جنگ بقدری برای نظام استکبار مهم بود که علاوه بر صهیونیستهای خبیث آمریکان نیز از پس پرده بیرون آمده و آشکارا در این جنگ شرکت کرده است. این نبرد تازه آغاز شده و فراتر از تمام جنگهایی است که

بشر تاکنون به خود دیده است تاریخ ایران گواه این مدعاست که ایران متوقف شدنی نیست! شما اقدامات نیروهای مسلح یمن علیه ناوهای هواپیمابر آمریکایی، بویژه ناو یو اس اس هری ترومن، نشان دهنده تحول عمیقی در جنگهای دریایی است. این اقدامات که با استفاده از موشکهای مافوق صوت، پهپادهای ارزیانقیمت و تاکتیکهای نامتقارن انجام شده نه تنها کارایی ناوهای هواپیمابر را زیر سؤال برده بلکه معادلات قدرت در منطقه را تغییر داده است در حالیکه ایالات متحده همچنان به سرمایه گذاریهای کلان در ناوگان دریایی خود ادامه میدهد تهدیدات نو ظهور و تواناییهای نیروهای یمنی نشان میدهد که دوران سلطه بلا منازع این شناورها به پایان رسیده است. لذا مؤمنان حق

ندارند محزون باشند زیرا برتری و علو از آن خداست و هر کس به خدا منتسب باشد از این علو بهره مند میشود این اصل اساس جنگ شناختی است. در نگاهِ الهی پیروزی بمعنای غلبه در میدان روح و اراده است نمونه بارزِ این نگاه را در واقعه عاشورا میبینیم. بظاهر امام حسین (ع) با ۷۲ یار در برابر لشکری عظیم قرار گرفت و به شهادت رسید اما گفتمان ایشان از محرم تا اربعین با حرکت حضرت زینب (سلام الله علیها) چنان دشمن را درهم کوبید که نقشه هایشان بر باد رفت این پیروزی الهی بود که در تاریخ ماندگار شد. این است حقیقت جهاد در روایت الهی که ما را به علو و برتری میرساند. ایمان و توکل واقعی بخدا، دوری از طاغوت و شرک، تَبَعِیت از ولی عادل

إلهی، پایبندی به جهاد و مقاومت، إخلاص در مسیر إلهی، إتحاد مؤمنان و پرهیز از تفرقه و دوری از دنیا شیفتگی عامل اصلی ایجاد رُعب در دل دشمنان است. عاشورا به ما آموخت که شهادت نه یک پایان بلکه آغازی است برای بیداری و تحول! اگر عاشورا را تنها در قالب یک مراسم عزاداری سالانه ببینیم و از درسهای عمیق آن غافل شویم آنگاه براستی حسین(ع) و کربلا را به فراموشی سپرده ایم. برای اینکه عاشورا در زندگی ما جاری باشد نیازی به شمشیر و نیزه نیست. عاشورا در هر تصمیم و عمل ما میتواند زنده بماند وقتی در برابر ظلم سکوت نمیکنیم و دست مظلومی را میگیریم و برای حفظ عزت و کرامت خود و دیگران میایستیم عاشورایی دیگری را رقم زده ایم.

عاشورا در کمک به نیازمندان، در دفاع از حق، در ترویج عدالت و در گسترش محبت و اخلاق حسینی مُتجلی میشود. امروز در جهانی که ظلم و بی عدالتی بیداد میکند وظیفه ما سنگینتر است باید با إلهام از عاشورا در برابر هر نوع ستم و زورگویی بایستیم و برای احیای ارزشهای انسانی و إلهی تلاش کنیم حُبُّ الْحُسَيْنِ طریق سعادت است.

در پایان:

21 تیرماه سال 1314 بمناسبت حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار مردم به دست رضاخان باید عرض کنم مبارزه ملت ایران با جریان استبداد و استعمار مبتنی بر سه محور حیاتی «مسجد» «مرجعیت و زعامت شیعه» و «سبک زندگی اسلامی ایرانی» بود. در جریان قیام

گوهرشاد، مسجد به صحنه ای برای تجمع اعتراض آمیز مردم و علما تبدیل شد مسجد گوهر شاد بعنوان فضایی که امکان گفتگوی مستقیم میان مردم و رهبران دینی را فراهم میکرد به نمادی از وحدت و همبستگی در برابر استبداد تبدیل شد.